

ستاره

فارسی آبادہای

سید محمد صاحبی



فارسی آباده‌ای

کتاب بهار ۵۳

زبان فارسی و زبان شناسی ایرانی ۱۵

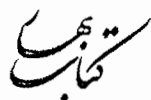
فارسی آبادهای

سید محمد صاحبی

(استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

تجرب

تهران ۱۳۹۹



کتاب بهار: تهران، خیابان بهار، کوچه حمید صدیق، شماره ۲۵، واحد ۶
(تلفن: ۰۹۱۲ ۱۲۲ ۶۰۰۸ ۷۷ ۵۲ ۴۷ ۸۱)

فارسی آباده‌ای

تألیف سید محمد صاحبی

ویراسته عباس بگجانی

چاپ اول ۱۳۹۹

شمارگان ۳۳۰

صفحه‌آرا: عباس بگجانی

طراح جلد: پاشا دارایی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

سرشناسه:

صاحبی، سید محمد، ۱۳۶۱-

عنوان و نام پدیدآور:

فارسی آباده‌ای / سید محمد صاحبی؛ ویراسته عباس بگجانی.

مشخصات نشر:

تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری:

نه، ۱۱۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م

فروست:

کتاب بهار، ۵۳.

شابک:

زبان فارسی و زبان‌شناسی ایرانی، ۱۵.

۹۷۸-۶۲۲-۷۰۶۷-۱۹-۴

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیا

یادداشت:

کتابنامه: ص. [۱۰۹]-۱۱۰.

موضوع:

آباده‌ای

موضوع:

Abadehi accent

موضوع:

آباده‌ای--واژه‌شناسی

موضوع:

Abadehi accent -- Lexicology

رده‌بندی کنگره:

PIR ۳۰۲۴

رده‌بندی دیویی:

۴۸ / ۹

شماره کتاب‌شناسی ملی:

۷۲۸۳۰۱۵

مراکز پخش: پیام امروز (۶۶ ۴۸ ۶۵ ۳۵)، صدای معاصر (۶۶ ۹۷ ۸۵ ۸۲)

۲۵,۰۰۰ تومان

فهرست

نشانه‌ها	هفت
مقدمه	۱
فصل اول: نظام واجی	۵
۱-۱. همخوان‌ها	۵
۱-۲. واکه‌های ساده	۹
۱-۳. واکه‌های مرکب آوایی	۱۰
۱-۴. ساختمان هجا	۱۰
۱-۵. تکیه و ازگانی	۱۱
فصل دوم: فرایندهای واجی	۱۳
۲-۱. افراشته‌شدگی	۱۴
۲-۲. افتاده‌شدگی	۱۷
۲-۳. همگونی	۱۸
۲-۴. ناهمگونی	۲۲
۲-۵. تضعیف (نرم‌شدگی)	۲۴
۲-۶. تقویت (سخت‌شدگی)	۳۰
۲-۷. درج	۳۱

۳۲.....	۸-۲. کوتاه‌شدگی و کشیده‌شدگی واکه‌ها
۳۳.....	۹-۲. قلب
۳۳.....	۱۰-۲. ابدال
۳۵.....	فصل سوم: ویژگی‌های صرفی و نحوی
۳۵.....	۱-۳. پسوند جمع
۳۵.....	۲-۳. ضمایر شخصی
۳۶.....	۳-۳. ضمایر پی‌بستی
۳۶.....	۴-۳. ساختمان فعل
۳۷.....	۵-۳. وندهای اشتقاقی پُرسامد
۳۷.....	۶-۳. حروف اضافه و ربط متفاوت با فارسی معیار
۳۹.....	فصل چهارم: واژه‌نامهٔ دوسویه
۴۱.....	۱-۴. فارسی معیار به آباده‌ای
۷۵.....	۲-۴. آباده‌ای به فارسی معیار
۱۰۹.....	منابع

نشانه‌های همخوان‌ها

القبای آوایی آمریکای شمالی، بر اساس ثمره (۱۳۹۵) و مدرسی قوامی (۱۳۹۶)

توصیف آوایی	نشانه	مثال
دولبی، انفجاری، بی‌واک	p	[pirišne] (عطسه)
دولبی، انفجاری، واک‌دار	b	[boji] (توله‌سگ)
دندانی، انفجاری، بی‌واک	t	[tenjuk] (شاخه کوچک)
دندانی، انفجاری، واک‌دار	d	[dede] (خواهر)
کامی، انفجاری، بی‌واک	k	[kom] (شکم)
کامی، انفجاری، واک‌دار	g	[gâduri] (پست و نالایق)
ملازی، انفجاری، واک‌دار	q	[qombezi] (گنبد)
چاکنایی، انفجاری، بی‌واک	ʔ	[ʔâris] (عروس)
لب‌ودندانی، سایشی، بی‌واک	f	[fesse] (پسته)
لب‌ودندانی، سایشی، واک‌دار	v	[vâture] (مکر)
لثوی، سایشی، بی‌واک	s	[sâsi] (اهلی)
لثوی، سایشی، واک‌دار	z	[zid] (زود)
لثوی کامی، سایشی، بی‌واک	š	[šambed] (شنبه)
لثوی کامی، سایشی، واک‌دار	ž	[žâket] (ژاکت)

ملازی، سایشی، بی‌واک	x	[xod] (با)
چاکنایی، سایشی، بی‌واک	h	[haš] (حیران)
لثوی کامی، انفجاری سایشی، بی‌واک	č	[čaltuk] (زلف)
لثوی کامی، انفجاری سایشی، واک‌دار	ǰ	[ǰuq] (جوی)
لثوی، لرزشی، واک‌دار	r	[ride] (روده)
لثوی، کناری، واک‌دار	l	[lak] (پوزه)
دولبی، خیشومی، واک‌دار	m	[morve] (تفال)
لثوی، خیشومی، واک‌دار	n	[nezere] (نایزه)
کامی، غلت، واک‌دار	y	[yeqe] (یقه)

نشانه‌های واکه‌ها

الفبای آوایی آمریکای شمالی، بر اساس ثمره (۱۳۹۵) و مدرسی قوامی (۱۳۹۶)

توصیف آوایی	نشانه	مثال
پیشین، بسته، گسترده، کشیده	i	[pik] (پوک)
پیشین، نیم‌بسته، نیم‌گسترده، کوتاه	e	[benj] (زنبور)
پیشین، باز، گسترده باز، کوتاه	a	[haš] (حیران)
پسین، بسته، گرد، کشیده	u	[sus] (سبوس)
پسین، نیم‌بسته، نیم‌گرد، کوتاه	o	[zodi] (زدو)
پسین، باز، گرد باز، کشیده	â	[tâle] (بوته)

نشانه‌های قراردادی

//	واج نویسی
[]	آوانویسی
:	کشش واکه
ˈ	تکیه هجا
c	همخوان
v	واکه
→	تبدیل می‌شود به
/ ____	بافت آوایی ویژه‌ای که فرایند واجی بر آن اعمال می‌شود و جایگاه بخش آوایی مورد نظر در بافت
+	مرز تکواژ
#	مرز واژه
\$	مرز هجا
V	«یا» در قواعد واجی
()	آوای متغیر در واژه‌نامه
[]	آوایی که ممکن است تلفظ شود یا نشود، در واژه‌نامه
ویرگول	جداکننده مترادف‌ها در فصل سوم و واژه‌نامه
نقطه و ویرگول	جداکننده معانی مختلف در واژه‌نامه
/	جداکننده جزءهای اسمی (/ صفتی) مترادفی که دارای همکردی یکسان هستند، در واژه‌نامه

مقدمه

۱. موقعیت جغرافیایی، روش و منابع پژوهش

فارسی‌آبادیه‌ای یکی از گویش‌های استان فارس و رایج در شهرستان آبادیه است. آبادیه شمالی‌ترین شهرستان استان فارس است و طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، ۹۸۱۸۸ نفر جمعیت دارد. آبادیه (مرکز)، ایزدخواست، بهمن، سورمق و صغاد از شهرها و بیدک و خسروشیرین از دهستان‌های این شهرستان‌اند. شهر آبادیه با تهران ۵۲۱ کیلومتر فاصله دارد (نک: بختیاری، ۱۳۹۳: ۷۰-۷۱؛ جعفری، ۱۳۸۴: ذیل «آبادیه»).

در این کتاب، نخست نظام واجی گویش آبادیه‌ای بررسی شده و سپس از فرایندهای واجی در این گویش سخن رفته است؛ تحلیل‌های مربوط به واج‌شناسی بر اساس نظریه واج‌شناسی زایشی اشتقاقی، با اعمال برخی تعدیلات و بدون تقید کامل به رویکردی خاص، انجام شده است (درباره این نظریه نک: بی‌جن خان، ۱۳۹۲: ۸-۹). در ادامه به ویژگی‌های صرفی و نحوی این گویش اشاره شده و در پایان کتاب، واژه‌نامه دوسویه فارسی معیار به آبادیه‌ای و آبادیه‌ای به فارسی معیار آمده است.

این اثر با دیدی همزمانی و در مقایسه با فارسی معیار تألیف شده است؛ منظور از فارسی معیار گونه زبانی رایج در تهران امروزی است؛ علاوه بر شتم زبانی نویسنده که

متولد و مقیم تهران است، سه اثر ذیل نیز به‌عنوان ملاکی برای تعیین فارسی معیار در نظر گرفته شد:

۱. فرهنگ روز سخن (۱۳۸۶): حسن انوری.
 ۲. «فارسی گفتاری و نوشتاری» (۱۳۸۰): ایران کلباسی.
 ۳. دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی (۱۳۹۰): شهرزاد ماهوتیان.
- آوانویسی واحدهای واژگانی آواده‌ای با بهره‌گیری از الفبای آوایی آمریکای شمالی^۱ و بر اساس آواشناسی زبان فارسی (۱۳۹۵) اثر یدالله ثمره صورت گرفته‌است؛ علت این انتخاب آن است که در بیشتر پژوهش‌های زبانشناسیک دربارهٔ زبان فارسی و گویش‌های ایرانی از این الفبای آوایی استفاده شده‌است (مدرسی قوامی، ۱۳۹۶: ۵). برای انجام این تحقیق با استفاده از راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی (۱۳۹۰) که از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شده‌است و پرسشنامهٔ مندرج در پایان اطلس گویش‌شناختی قصران داخل (۱۳۸۸) اثر گیتی دیهیم، مصاحبه‌هایی با هفت گویشور کهن‌سال یا میان‌سال متولد و مقیم آواده انجام شد؛^۲ بیشتر این گویشوران بیسواد یا کم‌سواد بودند. علاوه بر مصاحبه‌های مبتنی بر پرسشنامه‌های مذکور، از گویشوران درخواست شد که به‌طور آزادانه دربارهٔ موضوعاتی سخن بگویند. تمامی مصاحبه‌ها و گفتارها ضبط گردید و سپس اطلاعات آن‌ها آوانویسی شد. در این تحقیق از آثار مکتوبی که در بخش پیشینه به آن‌ها اشاره خواهد شد و از سایت اینترنتی orchine.ir که بعضی از

۱. APA

۲. نام و مشخصات این گویشوران عبارت است از: مرحومه ریحانه صرافیان (مادر بزرگ نویسنده)، متولد ۱۳۰۸، دارای تحصیلات ابتدایی؛ رضوان صرافیان، متولد ۱۳۱۱، دارای تحصیلات ابتدایی؛ لقا عابدی، متولد ۱۳۳۳، بیسواد؛ عزیزالله یک‌زمان، متولد ۱۳۳۰، بیسواد؛ شهلا نوروزی، متولد ۱۳۳۱، بیسواد؛ حمید نیکو، متولد ۱۳۳۹، دیپلم؛ سیدمهدی صاحبی (عموی نویسنده)، متولد ۱۳۳۴، دیپلم.

واژه‌های گویش آباده‌ای در آن مندرج است، استفاده شده است. یادداشت‌های این نویسنده که طی سال‌های مختلف، در هنگام سفر به آباده و اقامت در آن شهر جمع‌آوری شده بود، نیز از منابع این پژوهش است. با بهره‌مندی از این منابع، پیکره‌ای مشتمل بر واحدهای واژگانی و جملات آباده‌ای فراهم آمد که مبنای این پژوهش بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

از تحقیقات انجام‌شده در مورد گویش آباده‌ای می‌توان به دو اثر اشاره کرد:

- قدمت آباده (واژه‌های اصیل آباده) (۱۳۸۳-۱۳۹۳) اثر ایاز شهریاری (دبیر مجرب آباده‌ای): این کتاب فرهنگی است الفبایی و مشتمل بر بسیاری از واحدهای واژگانی و امثال رایج در گویش آباده‌ای. اطلاعاتی لغوی و ریشه‌شناسیک نیز در این اثر به چشم می‌خورد. نام مکان‌های جغرافیایی آباده هم در آن ثبت شده است. بسیاری از واحدهای واژگانی مضبوط در این کتاب در فرهنگ روز سخن نیز مندرج است؛ لذا نمی‌توان آن‌ها را واژه‌هایی گویشی به حساب آورد؛ لغات و ترکیباتی مانند: «الدنگ»، «بیوه»، «پُر دادن»، «جنگ زرگری»، «رَوَند»، «زِپرتی»، «لو دادن»، «ننه»، «هَره‌ری مذهب» و «یارو». این کتاب فاقد بررسی‌های واج‌شناسیک و دستوری است و می‌توان آن را از پژوهش‌های ذوقی گویشی دانست؛ تحقیقاتی که از سر علاقه به شهر و دیار نوشته می‌شود و جنبه علمی و نظری آن‌ها کمرنگ است.

- «بررسی واج‌شناختی گویش آباده‌ای» (۱۳۹۲) اثر عاطفه امیری و مریم زارعی: بخشی عمده از این مقاله در توصیف واج‌های گویش آباده‌ای است. این بررسی با ارائه جفت‌های کمینه انجام شده است (نک: امیری و زارعی، ۱۳۹۲: ۵-۱۸). در قسمتی دیگر از این اثر، درباره واج‌آرایی و عناصر زبرزنجیری در گویش آباده‌ای سخن رفته است (نک: همان، ۲۲-۲۵).

امیری و زارعی فرایندهای واجی در گویش آباده‌ای را فقط با ارائه هجده مثال، در سه صفحه و به گونه‌ای بسیار مختصر بررسی کرده‌اند. پژوهش ایشان بر اساس نظریه خاصی صورت نگرفته است و تنها مشتمل بر فرایندهای همگونی، ناهمگونی، ابدال، حذف، اضافه و قلب است؛ از فرایندهایی مانند افراشته‌شدگی (ارتقای واکه‌ای)، تضعیف و انواع آن (سایشی‌شدگی، تبدیل به غلت و ...) و تقویت در این مقاله سخنی گفته نشده است. فرایندهایی مانند همگونی، ناهمگونی و حذف را نیز می‌توان به انواع گوناگونی تقسیم کرد، اما امیری و زارعی به این تقسیمات توجه چندانی نداشته‌اند. افزون بر این، اکثر مثال‌هایی که ایشان برای ابدال آورده‌اند، در چارچوب فرایندهای مطرح‌نشده در مقاله، قابل توجیه است.

فصل اول

نظام واجی

در گویش آباده‌ای ۲۳ همخوان واجی، شش واکه ساده واجی و شش واکه مرکب آوایی وجود دارد. در این فصل، ابتدا با ارائه جفت‌های کمینه، به توصیف همخوان‌ها و سپس به بررسی واکه‌های واجی می‌پردازیم؛ واج‌های گویش آباده‌ای را در چارچوب نظریه واج‌شناسی زایشی، توصیف و دسته‌بندی می‌کنیم (درباره این روش نک: شیخ سنگ تعجن، ۱۳۹۴: ۲۹-۶۵؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۵). سپس واکه‌های مرکب آوایی را با ارائه نمونه‌هایی ذکر می‌کنیم. در پایان ساختمان هجا و الگوی کلی تکیه واژگانی در این گویش را بررسی می‌کنیم.

۱-۱. همخوان‌ها

همخوان‌های واجی گویش آباده‌ای عبارت‌اند از:

۱-۱-۱. انفجاری‌های لبی

- [لبی، - خیشومی، - پیوسته، + واک]: /b/

/benj/ (زنبور) ~ /denj/ (دنچ)

- [لبی، - پیوسته، - واک]: /p/

/kop/ (وارونه) ~ /kol/ (کند)

۱-۲. انفجاری‌های تیغه‌ای

- [تیغه‌ای، + پیشین^۱، - خیشومی، - پیوسته، + واک]: /d/ ~ /did/ (دود) /bid/ (بود)
- [تیغه‌ای، + پیشین، - پیوسته، - واک]: /t/ ~ /tit/ (توت) /qit/ (قوت)

۱-۳. انفجاری‌های بدنه‌ای

- [بدنه‌ای، - پیوسته، + واک]: /g/ ~ /gis/ (مو) /fis/ (تکبر)
- [بدنه‌ای، - پیوسته، - واک]: /k/ ~ /koko/ (برادر) /bobo/ (بابا)
- [بدنه‌ای، - پیوسته، + افتاده^۲، + واک]: /q/ ~ /juq/ (جوی) /jun/ (جان)

۱-۴. سایشی‌های لبی

- [لبی، + پیوسته، + واک]: /v/ ~ /vel/ (مخشوقه) /sel/ (بیماری سل)

۱. anterior: همخوان‌های دندانی و لثوی که اندام منفعل در تولید آن‌ها لثه یا جایی جلوتر از آن است، [+پیشین] هستند (مدرسی قوامی، ۱۳۹۴: ذیل «پیشین ۱»).

۲. همخوان‌های [+افتاده] با ایجاد حداکثر فاصله بین بدنه زبان و سقف دهان ایجاد می‌شوند (شیخ سنگ تجن، ۱۳۹۴: ۳۲).

- [لی، + پیوسته، - واک]: /f/
/fer/ (سر کشیدن) ~ /xer/ (گلو)

۱-۱-۵. سایشی‌های تیغه‌ای

- [تیغه‌ای، + پیشین، + پیوسته، + واک]: /z/
/zel/ (زبل) ~ /vel/ (معشوقه)

- [تیغه‌ای، + پیشین، + پیوسته، - واک]: /s/
/sus/ (سبوس) ~ /pus/ (پوست)

- [تیغه‌ای، - پیشین، + پیوسته، + واک]: /ž/
/dež/ (دژ) ~ /del/ (دل)

- [تیغه‌ای، - پیشین + پیوسته، - واک]: /š/
/šow/ (شب) ~ /gow/ (گاو)

۱-۱-۶. سایشی بدنه‌ای

- [بدنه‌ای، + افتاده، + پیوسته، - واک]: /x/
/xum/ (خام) ~ /kum/ (کام)

۱-۱-۷. انسایشی‌ها

- [تیغه‌ای، - پیشین + رهش تدریجی، + واک]: /j/
/jâz/ (جهاز) ~ /vâz/ (باز)

- [تیغه‌ای، - پیشین، + رهش تدریجی، - واک]: /č/
/čup/ (چوب) ~ /juq/ (جوی)

۸-۱-۱. چاکنایی‌ها

- [+چاکنایی، +پیوسته]: /h/

/haš/ (حیران) ~ /qaš/ (غش)

- [+چاکنایی، -پیوسته]: /ʔ/

/ʔow/ (آب) ~ /gow/ (گاو)

۹-۱-۱. خیشومی‌ها

- [لبی، +خیشومی]: /m/

/mâš/ (ورم دموی در پوست) ~ /xâš/ (کاش)

- [تیغه‌ای، +پیشین، +خیشومی]: /n/

/ni/ (نیست) ~ /ri/ (رو)

۱۰-۱-۱. ناسوده‌ها

- [تیغه‌ای، +پیشین، +کناری، +ناسوده]: /l/

/lak/ (پوزه) ~ /tak/ (تک)

- [تیغه‌ای، +پیشین، -کناری، +ناسوده]: /r/

/xor/ (خورجین) ~ /xod/ (با)

- [بدنه‌ای، +افراشته، -پسین^۱، +ناسوده]: /y/

/ye/ (یک) ~ /se/ (سه)

۱. همخوان‌های [+افراشته] با افراشته شدن بدنه زبان و همخوان‌های [+پسین]، نرمکامی‌ها و ملازی‌ها، با عقب کشیدن آن ایجاد می‌شوند (همانجا).

۲-۱. واکه‌های ساده

واکه‌های واجی فارسی آباده‌ای عبارت‌اند از:

۱-۲-۱. واکه‌های پیشین

- [+افراشته، -پسین]: /i/

/pik/ (پوک) ~ /pâk/ (پاک)

- [-افتاده، -افراشته، -پسین]: /e/

/ber/ (برای) ~ /bâr/ (بار)

- [+افتاده، -پسین]: /a/

/sar/ (سر) ~ /sor/ (آب بینی)

۲-۲-۱. واکه‌های پسین

- [+افتاده، +پسین]: /â/

/xâš/ (خوش و مطلوب) ~ /xiš/ (گاواهن)

- [-افتاده، -افراشته، +پسین]: /o/

/xor/ (خورجین) ~ /xer/ (گلو)

- [+افتاده، +پسین]: /u/

/tur/ (وحشی) ~ /tar/ (شرمنده)

تمامی واکه‌ها، ناسوده‌ها، خیشومی‌ها و غلت‌ها در گویش آباده‌ای دارای مشخصه [+رسا] و سایر واج‌ها [-رسا] یا گرفته هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود همخوان‌ها و واکه‌های فارسی آباده‌ای از نظر تعداد و مشخصه‌های آوایی با واج‌های فارسی معیار تفاوتی ندارند (نک: امیری و زارعی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۷، ۲۶؛ کلباسی، ۱۳۸۹: ۳۲؛ مدرسی قوامی، ۱۳۹۶: ۱۵-۲۳؛ بی‌جن خان، ۱۳۹۲: ۹۴، ۱۰۱).